

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نشریه پیشرو شماره ۴۵

۲۶ نومبر ۲۰۱۲

مواد مخدر، رخ دیگری از جنگ در افغانستان

از تاخت و تاز «جامعه جهانی» به سرکردگی ایالات متحده آمریکا با صرف میلیاردها دلار به بهانه «جنگ علیه القاعده و طالبان» و نابودی این گروه های تروریستی، یازده سال می گذرد. در این مدت نه تنها خبری از نابودی شبکه القاعده و گروه طالبان نیست بلکه هر روز «شاخ به شاخ» شدن «طرفین» بیشتر از پیش افزایش می یابد و در میدان کشمکش و درندگی میان جناوران، این توده های ستمدیده و زحمتکش ما هستند که هست و بود شان را از دست می دهند.

بررسی و موشکافی اما و اگرهای «جنگ» افغانستان مسیر این نوشته را منحرف می سازد، لذا برای جلوگیری از این انحراف، تلاش می شود تا نوشته حاضر به موضوع مواد مخدر افغانستان از تولید تا توزیع در بازارهای جهانی و ارتباط آن با «جنگ» جاری و این که در پس پرده مواد مخدر افغانستان که ها و چگونه سهیم اند و فعالیت دارند، نظری گذرا داشته باشد یا به عبارت دیگر تلاش می گردد تا واضح گردد که درآمدهای حاصل از قاچاق مواد مخدر چگونه به مصرف می رسد و هزینه های «جنگ» افغانستان برای «طرف» های درگیر از این مدرک، چگونه تمویل می گردد.

مواد مخدر یکی از منابع مهم و عمده تمویل طالبان به شمار می رود و در این مسأله هیچ شک و شبهه ای وجود ندارد. سازمان ملل در اظهارات خود به وضاحت این موضوع را ابراز داشته است: «بازار فروش تریاک افغانستان سالانه ۶۱ میلیارد دلار درآمد دارد که شبه نظامیان و تروریست بین المللی توسط این درآمد، تلاش های مختلف را برای بی ثباتی افغانستان انجام می دهند و از این طریق تأمین مالی می شوند». اما اسناد منتشره نشان می دهد که این تنها طالبان و القاعده نیست که از این مدرک، هزینه های جنگ زرگری را تأمین می نمایند بلکه امریکائی ها، انگلیس ها و سایر غربی هائی که در جنگ افغانستان ذی دخل اند، با استفاده از پول مواد مخدر افغانستان هزینه های «جنگ» جاری را تمویل می نمایند. البته به گفته معاون دوم کرزی: «دست های قدرت مندی در داخل دولت با شبکه مافیای بین المللی قاچاق مواد مخدر همکاری دارند»!

تولید مواد مخدر در افغانستان با آن که سابقه طولانی ندارد، اما از اوایل تجاوز سوسیال امپریالیسم شوروی این کشت رونق بیشتری یافت. مخصوصاً هنگامی که تنظیم های جهادی به کمک مالی و تخریکی کشورهای غربی ایجاد گردیدند و به اساس تشویق امریکائی ها و انگلیس ها، عده ای از این تنظیم ها و قومندان های محلی با انتقال مهمات جنگی در داخل افغانستان، در برگشت مواد مخدر را به جانب پاکستان انتقال می دادند. این قومندان ها با دست یافتن به پول های سرشار

از درک مواد مخدر، تشویق گردیدند تا در قسمت کشت و قاچاق مواد مخدر وقت زیادتیری را صرف نمایند که با حاکمیت امارت قرون وسطائی طالبی، تولید مواد مخدر از هر زمانی بیشتر شد.

به اساس معلومات منتشره، در ابتدای حاکمیت امارت اسلامی، تولید مواد مخدر سالانه به ۳۴۰۰ تن رسید، اما در اخیر سال ۱۹۹۹ این مقدار به ۴۶۰۰ تن افزایش یافت و خرید و فروش آن در بازارهای افغانستان به شکل آزاد صورت می گرفت که بازارهای وسیع فروش آن در ولایات نیمروز، هلمند، قندهار و سایر ولایات افغانستان به وضوح دیده می شد. در اواخر، امارت طالبی بنابر دلایل پت و پنهانی و گویا «جلب» حمایت های جهانی، تصمیم گرفت تا تولید مواد مخدر را ممنوع و محدود نماید، به همین دلیل تولید مواد مخدر در سال ۲۰۰۱ و قبل از حادثه ۱۱ سپتمبر به ۴۰۰ تن رسید.

با ترکیدن پوقانه امارت طالبی به کمک ماشین جنگی سرمایه (ناتو) و به تعقیب آن ایجاد دولت کابل که حمایت وسیع «جامعه جهانی» را به همراه داشت، تولید مواد مخدر به شکل سرسام آوری افزایش یافت. به اساس ارقام منتشره که به صورت نمونه اینجا ذکر می گردد، تولید این ماده از ۴۰۰ تن در سال ۲۰۰۱ به ۸۲۰۰ تن در سال ۲۰۰۷ و بعد به ۵۸۰۰ تن در سال ۲۰۱۱ رسید. با وجود این که هزاران چکمه پوش انگلیسی و امریکائی در سال ۲۰۰۷ در ولایت هلمند موجود بودند، اما تولید مواد مخدر این ولایت در این سال نزدیک به ۴۲۲۹ تن از مجموع ۸۲۰۰ تن را در بر می گیرد، برخی از نشریات غربی در آمد اشغالگران انگلیسی را از مدرک قاچاق مواد مخدر میلیاردها دالر تخمین می زنند. فراهم نمودن ضرورت مصرف بازارهای جهان که معتادین آن از مرز ۲۰۰ میلیون نفر گذشته اند، نیازمند دخالت مستقیم و عملی نظام سرمایه است که این تجارت را منحصرت یکی از بزرگترین منابع درآمد شناخته و با استفاده از ماشین جنگی سرمایه، بحران را در کشورهای عراق، افغانستان و لیبیا ایجاد نموده و در حال گسترش دامنه این بحران به کشورهای سوریه، یمن و ایران می باشند.

دلایل متعددی وجود دارد که نشان می دهد، دست سازمان های جاسوسی ذی نفع در سودهای میلیارد دلاری مواد مخدر دخیل است؛ بخشی از دولت انگلیس در سال ۲۰۰۷، از سازمان سیا خواست تا راه های مجادله با مواد مخدر افغانستان را که بخش اعظمی از هیروئین مصرفی انگلستان را تهیه می نماید، بررسی نماید و راه مجادله با آن را پیدا کند که این امر با مخالفت سرسختانه تیم های این سازمان جاسوسی که در داخل افغانستان به نام پژواک و دلتا فعالیت داشتند، روبه رو شد. این تیم ها که با مافیای مواد مخدر افغانستان ارتباط تنگاتنگی دارند، استدلال نمودند که این امر می تواند همکاری بین سیا و این سوداگران مرگ را به خطر اندازد.

روزنامه نیویورک تایمز در مقاله ای به همکاری بین سازمان سیا و قاچاقچیان مواد مخدر پرداخته و اضافه کرده است: «بزرگترین» قاچاقچی افغانستان که از سال ۲۰۰۸ میلادی در زندان امریکا بهسر می برد، عامل سیا بوده است. به نوشته این روزنامه امریکائی، جمعه خان در قبال دریافت مبلغی هنگفت پول، اطلاعات مربوط به طالبان، فساد دولت افغانستان و قاچاقچیان مواد مخدر را در اختیار سازمان سیا قرار می داد.

دیپمتری سدوف تحلیلگر روس، در آمدهای حاصل از قاچاق مواد مخدر افغانستان را به سه بخش تقسیم می نماید. او می گوید بخشی از این درآمدها برای تمویل پروژه هائی هزینه می شود که سازمان جاسوسی امریکا برای ایجاد ستون پنجم در کشورهای مورد نظر از آن استفاده می نماید، اما بخش دیگر از این درآمد برای ثروت اندوزی مقامات و رهبران بلندپایه این سازمان انتقال می یابد. اما بخش آخر عواید مواد مخدر به گروه های مالی نماینده رهبری سیاسی امریکا اختصاص داده می شود.

در سال ۱۹۹۲ در نیویارک، کتاب (مافیا، سیا و جورج بوش) انتشار یافت. در این کتاب با ارائه اسناد فراوان به اثبات رسیده که مدیر سازمان سیا و به تبعیت از آن، رئیس جمهور سابق امریکا جورج بوش پدر، وظایف دولتی خود را با تجارت جنائی مواد مخدر و سیاست در هم آمیخته و با مافیای مواد مخدر امریکا فعالانه همکاری می کند.

«جنگ» علیه قاچاقچیان مواد مخدر یکی از اهداف به شدت تبلیغ شده ای امریکا در افغانستان بود، اما نتایج حاصله در جریان ۱۱ سال گذشته معکوس آن را نشان می دهد. امروز افغانستان به مرکز جهانی تجارت و قاچاق مواد مخدر مبدل گردیده و مواد مخدر این کشور ۹۰ فیصد ضرورت بازارهای جهان را مرفوع می سازد. در حال حاضر ۷۵ درصد بازار مواد مخدر جهان، ۸۰ درصد بازار اتحادیه اروپا، ۳۵ درصد بازار امریکا با هیروئین افغانستان مرفوع می گردد، و ۶۵ درصد مواد مخدر افغانستان از طریق آسیای مرکزی ترانزیت می گردد.

اعداد و ارقامی که سدوف در نوشته خود به نشر رسانده جالب و تکان دهنده است، او می گوید: «یک دالر سرمایه گذاری در تجارت مواد مخدر در یک شرایط مناسب، میتواند ۱۲۰۰۰ دالر سود داشته باشد. قیمت یک کیلو گرام هیروئین افغانی در شمال پاکستان ۶۵۰ دالر، در قرقیزستان ۱۲۰۰ دالر و در مسکو ۷۰ دالر است (دلیل این که چرا در مسکو به صورت یک بارگی این قیمت افت می کند و به کیلوی ۷۰ دالر می رسد را باید در سیاست امریکا در قبال روسیه دید. امریکا تلاش دارد تا نسل جوان این کشور را از طریق مواد مخدر به یک نسل غیر فعال و بیکاره مبدل نماید. البته در قبال نسل جوان کشور چین نیز این سیاست جریان دارد). از یک کیلو گرام هیروئین، ۲۰۰ هزار دوز (مقدار مجاز برای یک بار مصرف) تهیه می شود. استعمال ۳ الی ۴ دوز آن برای معتاد شدن کافیت.»

ظهور و زوال طالبان با آن که یک پروژه بود، اما با کنترل تولید مواد مخدر توسط خود شان، به مرور زمان از اوامر سیا سرپیچی کرد و این سازمان را از درآمد ۱۳۰ میلیارد دالری این تجارت محروم ساخت لذا سناریوی ۱۱ سپتمبر وسیله ای شد برای سرنگونی امارت اسلامی طالبان.

امریکا با ایجاد پایگاه های دائمی، امضای پیمان ستراتیژیک و بالاخره هیاوهی خروج عساکر خارجی بعد از ۲۰۱۴، خود را به اهداف جیوپولتیک و ستراتیژیک خود هر روز نزدیکتر می سازد و در زمان نائل شدن به این اهداف با خاطر آسوده عرضه و تقاضای مواد مخدر دنیا را کنترل نموده تا بر کشت این ماده مرگبار نیز نظارت داشته باشد.